

« بررسی و شناخت اصول فلسفی و فکری پیرامون پدیدارشناسی

در معماری از دیدگاه نظریه پردازان

ناصر آقازاده

دانشجوی دکتری معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

چکیده :

براساس اصول فلسفه ی پدیدارشناسی دو دیدگاه متفاوت به درک عالم معنا وجود دارد ۱- دیدگاه طبیعی ۲- دیدگاه پدیدارشناسی که براساس این اصول دیدگاه طبیعی جهان خارج را ظرف و انسان و سایر پدیده ها مفروض و در داخل آن می داند ، اما از لحاظ دیدگاه پدیدارشناسی جهان پیرامون چیزی نیست جز برای تحقق هدفی که ظهور یافته و برای آن پدید آمده است و وجود آن جدا از فاعل قابل شناسایی نیست به طوری که با نبود انسان عالم خارج نیز معنا نمی یابد و ظهور نخواهد داشت . درواقع پدیدارشناسی بر وحدت زندگی و مکان تاکید دارد ، چنان چه به زعم شولتز ، مکان را نمی توان به وسیله ی مفاهیم تخیلی و علمی شرح داد زیرا علم ، امور موجود را در قالب انتزاع هایی در می آورد که دانش عینی را شکل می دهند . در این شیوه به چیزی جز نفس ماهیت موضوع پرداخته نمی شود. در این پژوهش به بررسی دیدگاه ها پیرامون پدیدارشناسی و اصول فکری و فلسفی حاکم بر آن براساس آراء و اندیشه های فکری اندیشمندان هستیم .

کلید واژه : اصول فکری ، شناخت شناسی ، دیدگاه طبیعی و پدیدارشناسی ،عالم معنا ، مکان .

۱- مقدمه :

پدیدارشناسی اساساً واژه‌ی فلسفی است چرا که برای نخستین بار فیلسوفان بوده‌اند که این واژه را جهت شرح موقعیت چیزها و وضعیت پدیدارشدن آن‌ها به کار بسته‌اند. اما این واژه بعداً به تدریج در علوم روانشناسی، علوم اجتماعی، مردم‌شناسی، علوم پزشکی و همچنین هنر و معماری و مطالعات مربوط به مکان به حیات خود ادامه می‌دهد. هدف اصلی و نهایی در پدیدارشناسی، بررسی، تحقیق و شناخت مستقیم و بی‌واسطه اشیاء و پدیده‌هاست. در این روش بایستی بر خوردی درست، خالص و رها از نظریات قبلی صورت گیرد و پدیده‌ها آنچنان که هستند شناخت و بیان شوند. در این پژوهش به دنبال بررسی دقیق و موشکافانه این واژه در معماری براساس آراء و نظریات اندیشمندان هستیم.

۱-۱- سوالات پژوهش :

۱- آیا پدیدارشناسی در معماری همانند پدیدارشناسی فلسفی متنوع‌اند؟

۲- اصول پدیدارشناسی در معماری کدامند؟

۱-۲- فرضیه‌های تحقیق :

۱- به نظر می‌رسد با بررسی و شناخت مفاهیم پدیدارشناسی و اصول پدیدارشناسی در معماری و محیط به وجه تنوع آن‌ها دست پیدا نمود.

۲- به نظر می‌رسد از جمله اصول پدیدارشناسی پدیده مکان، روح مکان، حس مکان است که باید مورد ارزیابی قرار گیرد.

۱-۳- روش تحقیق :

با توجه به اینکه پژوهش حاضر، پژوهشی کیفی است، پارادایم تحقیق منتخب در این پژوهش، پدیدارشناسی است که به جای صرف واقعیت‌ها به مفاهیم نهفته در آنها و چگونگی پدیده‌ها توجه می‌شود. و با روش تفسیری، حرکت به ماهیت پدیده‌ها شکل می‌گیرد. گردآوری داده‌ها بر گرفته از منابع کتابخانه‌ای، اسنادی که در نهایت با تلخیص داده‌ها و دخالت فرضیه‌ها و سوالات و با روش فرضی قیاسی، مدل تحقیق ساخته می‌شود. شاخص‌های به دست آمده در مدل تحقیق در پژوهش بر مبنای سنت پدیدارشناختی است که بر پایداری و برتری تجربه ذهنی از دنیای واقعی ارجح می‌نهد و در پی مرتفع ساختن شکاف فرضی دکارتی میان ذهن و عین و معنا و ماده است و همچنین در پی احیای ارتباط مفقود شده بین انسان و جهان در عصر مدرن است.

۱-۴- پیشینه پژوهش :

جدول - (۱-۱) - پیشینه پژوهش (نگارنده)							
سال انتشار	منابع			نتایج پژوهش	عنوان پژوهش	نویسنده	ردیف
	کتاب	شماره نشریه / فصلنامه	نام نشریه / فصلنامه				
۱۳۹۰	-	شماره ۶۷	صفه	این ارزیابی نشان می دهد که تدابیر کل به دلیل توجه و تمرکز آن ها در عرصه ایده ها و ارزش های مربوط به بنا ، برای نقد بناهای تاریخی (حتی در صورت کمبود یا فقدان منابع اطلاعاتی آن بنا) بسیار کارآمد هستند .	بررسی تدابیر پدیدارشناسی در نقد بناهای معماری	محمد علی اشرف گنجوی	۱
۱۳۸۸	ماه هنر	-	-	روح مکان را به صورت مشخص مورد بررسی قرار داده و در ارتباط مستقیم با پدیدارشناسی معماری مطرح کرده است .	روح مکان (پدیدارشناسی در معماری)	محمد ذاکری	۲
۱۳۹۴	رخ داد نو	-	-	تیین اصول و چهارچوب فلسفی پدیدارشناسی در معماری براساس نظریه های نوربرگ شولتز	روح مکان به سوی پدیدارشناسی معماری	نوربرگ شولتز	۳
۱۳۸۷	-	شماره ۴	علوم و تکنولوژی محیط زیست	نتایج پژوهش نشان می دهد که دیگر ضرورتی ندارد که در پی سبکی جدید در طراحی بود و می بایست به جستاری برای یافتن معانی و ارزش های اصیل در معماری و شهرسازی خاصه شهرسازی سنتی پرداخت که با دیدگاهی تاویلی از آنچه داده شده است در شیوه دادگی جهان و اشیا و مکان ها بروز می یابد .	پدیدارشناسی محیط شهری تاملی در ارتقای فضا به مکان شهری	هادی محمودی نژاد و همکاران	۴
۱۳۹۶	-	شماره ۲۵	کیمیای هنر	هویت در معماری، امری عرضی نیست و ارتباط مستقیم به عالم هر پدیده و بستر پدیداری آن دارد.	آموختن از هایدگر : پدیدارشناسی در معماری تاثیر فلسفه هایدگر در نظریه پردازی معماری	نیر طهوری	۵

۱۳۹۵	-	شماره ۱۵	مطالعات محیطی هفت حصار	موضوع مرز در مکان های انسان ساخت و مکان های طبیعی و بررسی موضوع میان فرد با زیست - جهانش هستند . با توجه به نقش کلیدی مرز در مکان ها ابتدا به شناخت این پدیده (مرز) و سپس به بررسی آن در مکان ها پرداخته شده است	نگرش پدیدارشناسانه به بررسی نقش مرز در مکان های طبیعی و مکان های انسان ساخت	سنبل حاتمی و همکاران	۶
۱۳۸۲	-	شماره ۱۴	هنرهای زیبا	نقش تفکر پدیدارشناسی در حل و یا تعدیل بحران مکان بررسی شده سپس مفاهیم پدیده مکان ، ساختار مکان و بی مکانی در پرتو نظریات مارتین هایدگر تجزیه و تحلیل شده و در نهایت ، تغییر نگرش انسان نسبت به خود و نظام هستی و ارتباط از هم گسیخته و فرا دستی او با محیط به عنوان یکی از علل عمده بحران مکان در عصر حاضر است .	مکان و بی مکانی رویکردی پدیدار شناسانه	پروین پرتوی	۷
۱۳۹۳	-	شماره ۲	اندیشه دینی دانشگاه شیراز	مبانی فلسفی سکناگزینی را از دیدگاه اندیشه ی فلسفی پدیدارشناسی نشان دهیم و سپس از منظر ارزشهای اسلامی ایرانی بررسی کنیم.	بررسی مبانی فلسفی «سکنا گزینی» از دیدگاه پدیدارشناسی با تکیه بر ارزش های اسلامی	محمد حسین کشفی و همکاران	۸
۱۳۹۳	-	شماره ۶	اطلاعات حکمت و معرفت	پدیدارشناسی در وهله نخست یادآور جنبشی فلسفی است، اما واقعیت آن است که پدیدارشناسی از مرزهای فلسفه فراتر رفته است و اکنون در رشته های مختلف، از جمله روان شناسی، علوم تربیتی، علوم اجتماعی، مردم شناسی، علوم پزشکی به ویژه پرستاری و همچنین هنر و معماری و مطالعات مربوط به مکان به حیات خود ادامه می دهد.	پدیدار شناسی در بیرون از مرزهای فلسفه	منیره پنج تنی	۹
۱۳۹۶	-	شماره ۴	نشریه هنرهای زیبا	برای آموختن از فرآیند طراحی و همچنین بهبود ارتباط طرح با کاربر واقعی، می توان از رویکرد شناختشناسی پدیدارشناسی استفاده کرد . در این حالت، میزان موفقیت طرح در آفرینش حس مکان پس از بهره برداری مورد سنجش قرار م یگیرد.	تبیین نسبت رابطه انسان و مکان در فرآیند طراحی معماری با رویکرد پدیدارشناسی	صمد نگین تاجی	۱۰

۲- مفاهیم پایه :

۲-۱- **پدیدارشناسی** : پدیدار، به منزله « آنچه خود را نشان می دهد » یا امر آشکار تعریف می شود. اما نحوه نشان دادن موجود بسته به نوع دسترسی و تقریبی است که فرد بدان دارد. حتی موجود می تواند خود را به عنوان چیزی که فی نفسه آن نیست نشان دهد و شبیه چیزی دیگری به نظر آید که شباهت نامیده می شود. به این ترتیب معنای اولیه و اصلی آن تحت تاثیر معنی ثانویه آن قرار می گیرد. هم پدیدار و هم شباهت را باید از نمود متمایز دانست نمود به معنای چیزی دیگر که خود را نشان می دهد نیست بلکه به معنی سخن گفتن از چیزی است که خود را در چیزی دیگر خود را نشان می دهد نمایان می سازد. (کوکلمانس، ۱۳۸۲ : ۱۳۶) به نظر پدیدارشناسان و به خصوص هایدگر، فلسفه و هستی شناسی تنها از طریق پدیدارشناسی ممکن است. پدیدارشناسی ما را در دریافت این ژرفا یاری می رساند و آن را آشکار می کند. این همان چیزی است که در روزگار کنونی به شدت مورد نیاز است. هدف پدیدارشناسی رسیدن به ذات یا حقیقت وجود اشیاء و امور است و این همان چیزی است که در دوره جدید با غلبه کمیت و نگاه سلطه انسان مدرن مورد غفلت قرار گرفته است. (انصاری ۱۳۹۳)

۲-۲- پدیدارشناسی در معماری :

معماری و شهرسازی امروز به مقوله مکان یا اصلا توجه نمی کند یا اگر بخواهد آن را مد نظر قرار دهد، تنها به مثابه ابژه ای صرف به آن نگاه می کند، ابژه ای برای سوژه ای که در مقابل آن است نه همراه با آن این دستاورد حاصل تفکری دکارتی است در این تفکر انسان به سوژه ای صرف تبدیل شده که خود را در مقابل چیزها می بیند، نه در کنار آنها و با آنها این نگرش باعث می شود که فقط به چیزها با کیفیت یکسو نگرانه علم نظر انداخته شود، که موجب از دست دادن تماس بی واسطه انسان با پدیده ها می شود. (انصاری، ۱۳۹۳) از سوی دیگر معماران از تدابیر پژوهش پدیدارشناسی در کارگاه های طراحی استفاده زیادی کرده اند. به عقیده بوتاند باگنر، رویکرد پدیدارشناختی در آموزش دروس طراحی می تواند گرایش به طراحی خرد گرا و تقلیل معماری به تاثیرات و نتایج کمی را کم و در مقابل تجربیات انسانی را جانشین آن کند. هدف این رویکرد در پژوهش های معماری آن است که اشخاص، با تجربه یک فضای معماری (به طرق مختلف) به دنبال خصوصیات هویتی و ویژگی های مکانی آن باشند. (گنجوی، ۱۳۹۰)

۳- چهارچوب نظری :

۳-۱- پدیدارشناسی در آراء و نظریات اندیشمندان معماری :

هایدگر از فلاسفه ی پدیدار شناسی است که کمک شایانی به ورود نگرش پدیدارشناسی به مباحث نظری معماری کرده است . موریس مرلوبونتی همواره منبع الهام و تکیه گاهی برای پدیدارشناسان معماری در هر دو عرصه علمی و نظری بوده است . مطابق نظر وی پدیدارشناسی آشکار کننده جهان است و انسان به طور مستقیم به هستی و حقیقت از طریق آگاهی ادراکی دست می یابد (ابریشمچی ، ۱۳۹۱) کریستوفر الکساندر در راه بی زمان ساختن ضمن سخن گفتن از الگوهای زبانی به دنبال یافتن شیوه های مفهومی و عملی بود تا دریابد که چیزها چگونه به یکدیگر تعلق دارند . مرلوبونتی که از هایدگر البته بیشتر متأثر از هوسرل بود ، در فهم و بر پاساختن معماری ، وجوه دیگری از پدیدارشناسی را مطرح کردند که آن را به «رویکردی واقع گرا و ملموس و این جهانی » تبدیل می کند (پرتوی ، ۱۳۸۷ : ۴۳) و از دیدگاه های رایج سوپژکتیو که ذهن آدمی را چون مخفضه ای در بسته می شمارد ، فاصله می گیرد . از آن میان می توان به استیون هال ،آلبرتو پرز گومز ،یوهانی پالاسما و ... اشاره کرد . اگر چه پرز گومز زبان را در برابر عینیت حتی ، امری انتزاعی می شمارد و می نویسد : اگر بتوان گفت که معماری ، معنایی شاعرانه دارد ، باید بپذیریم آنچه بیان می کند ، وراى آن چیزی است که می نماید معماری ، تجربه ای نیست که واژگان بتوانند آن را بیان کنند ، همانند خود شعر ، طراحی از خویش در قالب حضور است که معانی و سر حد تجربه را شکل می دهد (پرز گومز ، ۱۳۹۴ : ۱۱) پالاسما معتقد است غیر انسانی بودن معماری و شهرسازی معاصر، در نتیجه غفلت از توجه به بدن و حواس پنج گانه و عدم تعادل در سیستم احساسی به وجود آمده است . تلقی وی از مشارکت همه حواس در فرآیند ادراک، مرکزیت تن در دریافت محیط و نقش حرکت مندی در آن برگرفته از تفکر مرلوبونتی است . پالاسما خاطر نشان می سازد که تجربه ی معماری تجربه ای چند حسی است، و کیفیات ماده، فضا و مقایسه نه تنها با چشم، بلکه با گوش،بینی، پوست، زبان، اسکلت و عضلات- سنجیده می شوند . به واقع، ما معماری را از طریق همه ی حواس تجربه می کنیم(میر گذار لنگرودی و نیک فطرت ، ۱۳۹۴)

جدول - (۱-۲) - نظریه پردازها و نظریه های پدیدارشناسی (برگرفته از شیرازی ، ۱۳۹۰)

ردیف	نظریه پرداز	نظریه ها
۱	ادموند هرسل	بازگشت به خود چیزها
۲	مارتین هایدگر	روش یا شیوه دیدن
۳	موریس مرلوپونتی	گوهر دریافت
۴	کریستین نوربرگ شولتز	روش بسیار مناسب جهت نفوذ در وجود جهان امروز
۵	یوهانی پالاسما	نگرش ناب به پدیدار یا دیدن گوهر آن
۶	کارستن هاریس	یک راه سفری از میان گذشته ، حال و آینده
۷	ادوارد فور	کمک به فهم معماری چونان بخشی از زیست جهان مان
۸	دیوید سیمون	نوعی نگرش لطیف ، نگرشی با چشم های نو ، نگرشی آشکار کننده
۹	آلبرتو پرز - گمز	کاشف دوباره تفوق ادراک آشکار کننده محدودیت های عقل محاسبه گر
۱۰	استیون هال	مطالعه گوهرها وهستی بخشیدن به آن ها

۳-۲- اصول پدیدار شناسی در معماری :

۳-۲-۱- پدیده مکان :

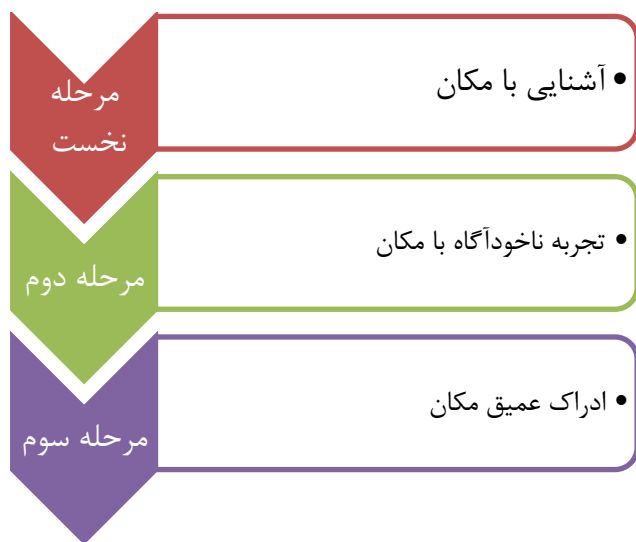
مکان پدیداری از هستی است که در تجربه ی مستقیم انسان شناخته می شوند ، بنابراین مکان سرشار از معنا ، چیزهای دیدنی و فعالیت های پویا می باشند مکان به عنوان یک پدیده منبعی است که به انسان هویت فردی و اجتماعی می دهد . مکان برای انسان حضوری پویا و زنده دارد . چرا که روابط انسان با مکان مانند روابط انسان ها با یکدیگر می تواند گاهی بسیار خوشایند و دلچسب و بعضی اوقات ناخوشایند جلوه کند به طور کلی می توان چنین بیان کرد که مکان یک پدیده کلی و کیفی است که نمی توان آن را به هیچ یک از خصوصیات آن مثلا ارتباطات فضایی بدون از دست دادن طبیعت واقعی آن کاهش داد (پرتویی ، ۱۳۹۲)

پدیده های انسانی از جمله پدیده ی مکان ، پدیده هایی چند بعدی ، متکثر و برخوردار از روابط دیالکتیکی و پویا هستند و لذا نمی توان صرفا با تکیه بر بخشی از ویژگی های آن یا با خلاصه کردن آن در رابطه ای جبری و حتمی ، واقعیت آن را فرا چنگ نگهداری مکان های موجود و خلق مکان های جدید گردد . بدون فهم جامعی از مکان که در برگیرنده ی مشخصات انسانی است ، مشکل می توان علت بخصوص بودن بعضی از مکان ها را توضیح داد . پس قبل از اینکه بخواهیم راه حلی ارائه دهیم باید یاد بگیریم چگونه مکان ها را درک و توصیف کنیم . (پور جعفر و همکاران ، ۱۳۹۰) رسالت معماری نیز آن است که جایی را تبدیل به

مکان کند یعنی محتوایی بالقوه محیط را به فعل در آورد که به قول افشار نادری، طراحی میدان کامپیدولیو در رم اثر میکلا آنژ تحقق روحیه و ارزش بالقوه ای بود که در آن تپه قرار داشت. رلف، در کتاب مکان و بی مکانی بر این نکته اشاره دارد که مکان ها را ترکیبی از نظم طبیعی و نظم انسانی می داند و هویت و کاشانه و اجتماع را مفاهیمی اساسی در این باره می داند. (محمودی نژاد، ۱۳۸۷)

۳-۲-۲- پدیده حس مکان :

در ارتباط با مفهوم حس مکان، پدیدار شناسان این جریان تلاش داشتند تا تاکید بر دشواری های فهم و تعریف این پدیده کنند. در این ارتباط رلف بیان می دارد که مفهوم حس مکان کاملا روشن نیست. او توضیح می دهد که ما می توانیم درک شخص مان را درباره این مفهوم بیان کنیم اما نمی توانیم یک تعریف دقیق داشته باشیم. حس مکان، به صورت چرخه ای پیوسته و تقریبا در سه مرحله شکل می گیرد. اولین، آشنایی افراد با مکان است، این حضور در مکان بدون شناسایی معنای آن است. (نگین تاجی، ۱۳۹۶) بنابراین، آنها حس تعلق به مکان ندارند و تلاشی برای دل بستگی به مکان انجام نمی دهند. در دومین مرحله، افراد نسبت به آن مکان حس پیدا می کنند. این مرتبه از تجربه به صورت ناخودآگاه ادراک می شود، اما توجه دقیقی به نشانه های مکان دارند. سومین مرحله از حس مکان، آشنایی عمیق و ژرف با مکان است. این بخش درون وجودی شخص را در بر می گیرد و به صورت ناخود آگاه تجربه می شود. بنابراین حس مکان، یعنی تجربه و درک یک شخص از قرارگاهی ویژه و آنچه از ماهیت مکان برای یک انسان ادراک می شود که از طریق آن حس متفاوت بودن محیط به فرد القا می شود. (نگین تاجی، ۱۳۹۶)



نمودار - (۱-۱) - مراحل سه گانه حس مکان (نگارنده با اقتباس از منابع)

۳-۲-۳- پدیده روح مکان :

هر موجودی « روح » مخصوص خود را داراست که بر این اساس ، خصلت ویژه خود را تحصیل می کند و انسان همچون پدیده ای وجودی که زندگی اش وقوع پیدا می کند . نیازمند درک روح مکان است . (کشفی ، ۱۳۹۳) روح مکان از خصلتی خاص یا کیفیت ترکیبی مکانی خاصی ناشی می شود . جنبه های برانگیزاننده ی این حس متنوع است و شامل مواردی است همچون ساختاری فضایی ، الگو های مربوط به موقعیت طبیعی (توپوگرافیک) ، بافت ها ، وضعیت طبیعی مثل نور و باد و صدا ؛ به علاوه ی مردم و الگوهای وقایع انسانی ، اما روح مکان ، صرفا جمع جبری اجزای متنوعش نیست ؛ بلکه بیش از این تعامل پیچیده ی این جنبه هاست ؛ جوی بسیار نامحسوس یا به قول کریستوفر الکساندر «کیفیتی بدون نام» (کشفی ، ۱۳۹۳) روح مکان ، خصوصیتی ذاتی و ظاهر شونده است کارکتر محیط (روح مکان) ، از طریق رابطه بین چیزها آفریده می شود . شولتز فاکتورهای مانند محل ، منظر ، اقلیم ، نور روز ، ساختمان ها و حتی فعالیت های انسان مکان را می آفرینند . روح مکان را می بایست بیان کننده ارتباط عمیق انسان و به ویژه انسان در دوران پیش از مدرن با جهان زیسته دانست روح مکان در واقع حسی است که یک فرد در محیط دریافت می کند و در زمان های دیگر توسط همان حسی قادر خواهد بود تا آن را برای خود تداعی سازد . (موسوی ، ۱۳۹۱ : ۱۲)

(نمودار)



نمودار - (۲-۱) - سه فاکتور مهم برای درک روح مکان در پدیدارشناسی معماری (نگارنده با اقتباس از منابع)

۳-۲-۴- پدیده هویت مکان : بخشی از دل بستگی مکان است و این دل بستگی از نوع معنایی - احساسی است هویت مکان به ویژگی های قابل تشخیص و شناخت مکان بیرونی اشاره دارد لینچ (۱۳۸۱) هویت هر مکان را در تمایز آن مکان با مکان های دیگر تعریف می نماید و آن را پایه ای برای شناخته شدن مکان مورد نظر به عنوان موجودیتی منحصر به فرد می داند این موضوع

نشان دهنده آن است که هر مکان آدرسی واحد و منحصر به فرد دارد و به عبارت دیگر قابل شناسایی است بنابراین هویت مکان با منحصر به فردسازی یک مکان می تواند به درستی درک شود. (رضازاده، ۱۳۸۴: ۲۳۷) هویت در زندگی مفهومی اساسی است به گفته هایدگر (ما در همه جا و به هر صورت با انواع و اقسام وجود سر کار داریم و هویت نشان دهنده این موضوع است). هویت مکان موضوعی بسیار تاثیر گذار است و راز ماندگاری یک مکان در چگونگی هویت مکان خواهد بود چنانچه در برخی مکان های مدرن که نقش هویت کمرنگ است با نوعی بی مکانی و غربت زندگی روبرو هستیم. (لینچ، ۱۳۸۱)



نمودار - (۱-۳) - عوامل تاثیر گذار در شناخت و درک هویت مکان (نگارنده با اقتباس از منابع)

۳-۲-۵- آینده فکری پدیدار شناسی در معماری :

با گذشت چند دهه پس از تثبیت معماری مدرن، برخی معماران برای در انداختن طرحی نو در معماری و رهایی از بحران پیش آمده در ایجاد محیط هایی کسالتبار و پر تنش، به فلسفه ای روی آوردند که اندیشه مدرن را به نقد می کشید و برای رهایی از بحران تفکر، به شاعرانگی و شعر رجوع می کرد. پس از جنگ جهانی دوم و حجم عظیم تخریب و نیاز روز افزون به ساختن بناهای مختلف، راه حل هایی که معماران مدرن ارائه کرده بودند، بسیار چاره ساز بود. بی خانمانی ناشی از جنگ، و نیاز به ساخت سریع مسکن و دیگر بناهای خدماتی را به تعداد انبوه در سطح اروپا و دیگر کشورهای درگیر الزامی می کرد. (طهوری، ۱۳۹۶)

منتقدان معماری مدرن، نه فقط جهان بینی مدرن را که بر ذهنی بودن شناخت از جهان استوار بود و مورد بازبینی و نقد قرار دادند که نظریه های هم به عنوان نسخه ای شفافبخش ارائه کردند که مسئله هویت بر راس آن چشمگیر بود. منشور آتن به عنوان بیانیه در اوایل دهه شصت قرن بیستم، بحران های اجتماعی و فردی حاصل از زندگی در چنین محیط هایی به وضوح آشکار شد و

معماران موسوم به پست مدرن یکی پس از دیگری به اعتراض نسبت به اصول دیکته شده معماری مدرن برخاستند. پس از شکل گیری صورت های جدید متفاوتی از صورت های رایج معماری مدرن، چالز جنکس در کتاب معروف خود زبان معماری پست مدرن، از مرگ معماری مدرن با تخریب مجموعه ساختمانی پروت - آیگو اثر یاماساکی در ساعت ۳ و ۳۲ دقیقه بعد از ظهر ۱۵ جولای ۱۹۷۲ خبر داد جنکس یکی از عوامل چنین شکستی را «زبان پوریستی طراحی آن در نادیده گرفتن تنوع رمزگذاری معمارانه ساکنان آن می داند». در کشاکش ظهور بحران در عرصه های مختلف زندگی بود که اندیشه هایدگر به عنوان راه حلی جامع خوش درخشید. (شولتز، ۱۳۸۹) موضوع چشمگیر در تفکر او، تلقی ویژه اش از «بودن در جهان» است که بر محیطی دلالت می کند که به دست بشر ساخته شده است اما بازنمایانه نیست. فلسفه پدیدارشناسی در معماری بر این نکته تاکید دارد که معماری نمی تواند در غیبت چیزی نشانه آن باشد بلکه بنا حاضر و آنچه در آن پدیدار شده فعلیت یافتن استعداد حقیقی آن یوده است، نه وامدار پذیرفتن یا نمایان خصلت ویژه ای از چیز دیگر، شایان ذکر است. که صرف استفاده از صورت ها و نشانه هایی که در معماری گذشتگان به کار گرفته شده، سبب بازگرداندن روح زنده آن ها به معماری امروز نمی شود. راه پدیدارشناسی مانند همه جریان های فلسفی در گذری تاریخی شکل گرفته است بنا بر این لازمه آشنایی بیشتر با این جریان فکری آشنایی بیشتر با بستری است که در آن ظهور کرده. بررسی تاریخی این رویکرد نشان دهنده این نکته است که آنچه بر اهمیت پدیدار شناسی معماری در متن معماری معاصر می افزاید، این است که پدیدار شناسی معماری در ذات خود به گونه ای گفت و گو دو طرفه میان گذشته و حال است که حاصل آن طرحی برای آینده است. (اشمیت، ۱۳۷۵) این خصلت پدیدارشناسی معماری موجب می شود گفتمان برای وضعیت معماری معاصر ما هم که دغدغه ی گذشته (سنت) و حال (مدرنیته) را دارد راهگشا باشد. پدیدارشناسی می تواند ما را از سویی با گذشته مان پیوند دهد و از سویی نگرانی های نو گرایی مان را با اکنون مرتبط سازد و به بسط گفتمان دست زند پس لزوم توجه به اندیشه های فکری و توجه به آینده این رویکرد در معماری امری مهم است که براساس آن می توان با درک اصول حاکم در گذشته و حال بین آن ها پیوند برقرار نمود. (ذاکری، ۱۳۸۸)

۴- نتیجه گیری :

کریستین نوربرگ شولتز معتقد است رویکرد علمی به "چیزها" آنها را از زمینه واقعی شان برمیکنند و به آنان چونان اموری "سنجش پذیر" توجه دارد. وی می گوید: «پدیدارشناسی نقطهٔ عزیمت خود را شعار هوسرل مبنی بر "به سوی خود چیزها" و نیز تأکید وی که علم مدرن نتوانست به فهم ما از "زیست جهان عینی" کمک کند قرار می دهد) به واقع زیست - جهان، جهان چیزهای خصلتمند و معنادار است، و پدیدارشناسی راه و طریقی است که «رویکردش به چیزها مطابق همان طبیعتمندی ای است که از خود بروز می دهند، یعنی نه چونان موجوداتی جدا از هم، بلکه چونان تجلی های یک ذاتمندی یا طریقی از بودن که تنها در رابطه با دیگر طرق بودن قابل فهم بوده و در طی زمان مقاومت می کند، بی آنکه این - همانی خود را از دست بدهد با تفحصیات انجام شده در آرا و نظریات اندیشمندان در حوزه پدیدارشناسی می توان اینگونه بیان کرد که پدیدارشناسی معماری مبتنی بر فعل ها است و نه اسم ها. ما پلان ها، نقشه ها و نماها را احساس نمی کنیم، بلکه کنش نزدیک شدن و روی آوردن به آنها را ادراک می کنیم. آدمی با قرارگیری در مکان و درک ساختار سه بعدی عناصری (فضا) و جو کلی (خصلت) به درکی چند حسی از معماری دست می یابد. به واقع اینگونه می توان بیان کرد که، تن انسان به چیزها نزدیک می شود و آن ها را از نزدیک تجربه می کند. حالا با بررسی دقیق موضوع می توان به این نکته رسید که پدیدارشناسی در معماری همانند پدیدارشناسی فلسفی و برگرفته از آن است که در معماری تجلی یافته است که نشان دهنده اصول و قواعد مختلف در معماری است. پس به نظر می رسد که فرضیه های شکل گرفته پیرامون موضوع درست بوده است.

منابع :

- انصاری م، (۱۳۹۳)، «پدیدارشناسی هرمنوتیک مکان حیث مکانی میدان نقش جهان»، چاپ اول انتشارات پُرشش، آبادان
- ابریشمچی م، (۱۳۹۱)، «درنگی در پدیدارشناسی نزد مرلوپونتی»، مجله کتاب ماه فلسفه، تهران .
- اشرف گنجوی م، ع، (۱۳۸۴)، «بررسی تدابیر پدیدارشناسی در نقد بناهای معماری»، مجله صفا، شماره ۶۷.
- اشمیت، پ، «سراغاز پدیدارشناسی»، ترجمه شهرام پازوکی، فصلنامه فرهنگ، شماره ۱۸.
- پرتویی، پ، (۱۳۸۲)، «مکان و بی مکانی رویکردی پدیدارشناسانه»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۴.
- پرتوی، پ؛ (۱۳۸۷)، «روح مکان»، فرهنگستان هنر تهران .
- پرتوی پ، (۱۳۹۲)، «پدیدارشناسی مکان» و نشر آثار هنری متن، چاپ دوم. موسسه ی تألیف، ترجمه، تهران .
- پرز گومز، آ، (۱۳۹۴) پرس شهای ادراک پدیدارشناسی معماری، ترجمه علی اکبری و محمدمامین شریفیان، نشر پرهام نقش، تهران .
- پورجعفر، محمدرضا، وهمکاران، (۱۳۹۰) نقش سرمایه اجتماعی در وضعیت اقتصادی بازارهای سنتی ایران. مدیریت شهریویژه نامه، شماره ۹ .

- پنج تنی ، م ، (۱۳۹۳) ، «پدیدارشناسی در بیرون از مرزهای فلسفه » ، نشریه اطلاعات حکمت و معرفت ، شماره ۶ .
- حاتمى ، س ، (۱۳۹۵) ، « نگرش پدیدارشناسانه به بررسی نقش مرز در مکان های طبیعی و مکان های انسان ساخت » ، فصلنامه مطالعات محیطی هفت حصار ، شماره ۱۵ .
- ذاکری ، م ، (۱۳۸۸) ، «روح مکان (پدیدارشناسی در معماری)» ، انتشارات ماه هنر ، تهران .
- رضازاده ، ر ، (۱۳۸۴) ، « رویکردی روان شناسانه و جامعه شناسانه به هویت مکانی در شهرهای جدید » ، مجموعه مقالات هویت ، شهرهای جدید ، کتاب دوم ، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید ، تهران .
- شیرازی ، م ، ر ، (۱۳۹۰) ، «جایگاه پدیدارشناسی در تحلیل معماری و محیط ، مجله آرمانشهر ، شماره ۱۱ ، ص ۹۱ و ۹۹ .
- طهوری ، ن ، (۱۳۹۶) ، « آموختن از هایدگر : پدیدارشناسی در معماری تاثیر فلسفه هایدگر در نظریه پردازی معماری » ، نشریه کیمیای هنر ، شماره ۲۵ .
- کشفی ، م ح ، (۱۳۹۳) ، « بررسی مبانی فلسفی (سکنا گزینی) از دیدگاه پدیدارشناسی با تکیه بر ارزش های اسلامی ، نشریه اندیشه دینی دانشگاه شیراز ، شماره ۲ .
- کولمانس ، یوزف ، ی ، (۱۳۸۲) « هیدگر و هنر » ، ترجمه محمدجواد صافیان ، نشر پرسش و فرهنگستان ، تهران .
- لینچ ، کوین ، (۱۳۸۱) ، « تئوری شکل خوب شهر » ، ترجمه سید حسین بحرینی ، انتشارات دانشگاه تهران ، تهران .
- موسوی ، س ، ج ، (۱۳۹۱) ، « رویکرد پدیدارشناسانه به گفتگوی عرصه درون و عرصه برون در معماری مساجد امام و شیخ لطف اله اصفهان » ، رساله دکتری ، دانشگاه آزاد اسلامی ، علوم و تحقیقات تهران .
- میرگذار لنگرودی س ص . نیک فطرت م ، (۱۳۹۴) ، « رهیافت پدیدارشناسی در اندیشه ی پیتر زومتر » چاپ اول . انتشارات علم معمار ، تهران .
- محمودی نژاد ، ه و همکاران ، (۱۳۸۷) ، « پدیدارشناسی محیط شهری تاملی در ارتقای فضا به مکان شهری » ، نشریه علوم و تکنولوژی محیط زیست ، شماره ۴ .
- نگین تاجی ، ص ، (۱۳۹۶) ، « تبیین نسبت رابطه انسان و مکان در فرآیند طراحی معماری با رویکرد پدیدارشناسی » ، نشریه هنرهای زیبا ، شماره ۴ .
- نوربرگ ، ش ، (۱۳۹۴) ، « روح مکان به سوی پدیدارشناسی معماری » ، رخ داد نو ، تهران .